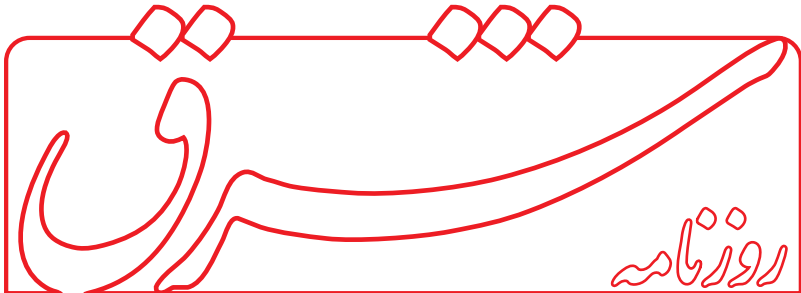




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲، ۸۸۸۸۰۷۱۹، ۸۸۶۵۸۵۷۵
تلفن: ۶۶۱۸۲۱۳۰-۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز
چاپ: روز تاب، جاده مخصوص کرج، نخ زرین شماره ۴
تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۷
www.sharghnewspaper.ir

تهران: اذان ظهر ۱۳:۰۱ اذان مغرب ۲۰:۲۰ اذان صبح فردا ۴:۱۲ طلوع آفتاب ۵:۵۳



سه‌شنبه ۳ خرداد ۱۳۹۰ • ۲۰امدی‌الثانی ۱۴۲۲ • ۲۴می ۲۰۱۱ • سال هشتم • شماره پیاپی ۱۲۵۴ • شماره ۲۳۰ دوره جدید • ۲۴صفحه

همایون شجریان برای نخستین بار در نیشابور

شرق: کنسرت همنواران حصار به سرپرستی و آهنگسازی علی قمصری و خوانندگی همایون شجریان روزهای پنجشنبه و جمعه گذشته در نیشابور برگزار شد. در این برنامه که مصادف با سالروز تولد همایون شجریان بود، آوازهای «بی‌دل و بی‌زبان»، «صنما»، «چهار مضرب»، «آب، نان، آواز» و «به جان تو» از آلبوم «آب، نان، آواز»، «در هوای گریه» از آلبوم «سیم وصل» ساز و آوازی در مایه شوشتری و در پایان و با درخواست حضار، تصنیف جوادانه «مرغ سحر» اجرا شد.



زاویه

جای خالی شکوه عملیات بیت المقدس در سینما



منوچهر محمدی

■ آنچه روشن است هشت سال دفاع مقدس و جنگ تحمیلی به دلیل اینکه با عناصر متعدد و عناصر حیاتی ایران در این مدت در ارتباط بود، باعث شد تا این تأثیرات به شکل عمیق اجتماعی و فردی در جامعه ادامه داشته باشد. در سینمای ایران پرداختن به موضوع جنگ تحمیلی منوجه دو نگاه است؛ یکی نگاه کمی‌گراست که به آمار و ارقام فیلم‌های دفاع مقدس می‌پردازد و دوم نگاهی متعادل‌تر است که به کیفیت این آثار می‌پردازد که به عنوان ذخیره‌ای فرهنگی می‌تواند در آینده منعکس شود. گاهی تقابل این دو رویکرد سبب تسویه‌حساب‌های سیاسی می‌شود که با نگاه فرهنگی چندان تطابق ندارد.

به گمان من مجموعه اتفاقاتی که در سینما و مجموعه هنرهای نمایشی دربارہ جنگ تحمیلی و هشت سال دفاع مقدس رخ داده است به نسبت کشورهای دیگر که با جنگ دست و پنجه نرم کرده‌اند بیشتر واکنش نشان داده است.

وقتی می‌گوییم خرمشهر، موضوع اشغال و فتح خرمشهر و حیات این شهر در زمان اشغال نیز مطرح است که همه اینها باید در یک مجموعه ارزیابی شود.

خرمشهر سمبول جنگ و جنبه نمادین دارد، اما متأسفانه تاکنون اثری که توانایی نمایش شکوه عملیات بیت‌المقدس را به طور کامل داشته باشد، ساخته نشده و جای آن در سینمای ایران خالی است.

*تهیه‌کننده‌سینما

کارتون خواب

سعید نوروزی



برداشت آخر

گفت‌وگو با حسن نراقی ۱۰۳ سال پس از کشف نخستین چاه نفت در ایران خردگرایی تان را افزون کنید؛ نفت حاشیه است

پژمان موسوی



■ با این حساب شما چه عاملی را در این قضیه تأثیرگذار می‌دانید؟ یعنی نفت به باور تان در این موضوع اصلاً نقش نداشته‌است؟

به نظر من مشکل اصلی کشور ما مدیریت است، عدم خردگرایی است که خود را در

بیشتر سطوح اجرایی کوچک و بزرگ نشان می‌دهد، حتی در یک کارگاه کوچک صنعتی.

مشکل ما نه نفت است، نه ذغال سنگ؛ نه بی‌آبی و خشکی و نه حتی معادن مس و روی مان. مشکل فقط برخی سوءمدیریت‌ها است، سوءمدیریت‌هایی که با

آرمان‌گرایی و اسطوره پرستی مخالفان آنها که تازه لقب روشنفکر هم به خود داده‌اند و جماعتی اکثراً هیچانی و خردگیز که مات و مبهوت این دو دسته‌اند و سرگردان اتخاذ روش.

■ یعنی فکر می‌کنید یک طرف این مشکل خود مردم هستند که دید درستی به قضا یا ندارند؟ مدیران و مسوولان اجرایی در کجای این مختصات قرار می‌گیرند؟

من بارها گفته‌ام ما بیش از آنکه به قهرمان نیاز داشته باشیم، نیازمند متفکر و مدیر هستیم، متفکرانی که نیازی به خوش‌آمدگویی توده‌ها ندارند و چشم‌شان به محبت عوام دوخته نیست. به این تغییرات دولتی پی‌درپی نگاه کنید: نفت یک داستان فرعی است، سرمایه‌ای است که بود و نبودش مؤثر هست، اما تضمین‌کننده نهایی نیست: خردگرایی‌تان را افزون کنید، قطعاً از هر محصولی بی‌نیاز خواهید شد.

■ وقتی کلمه نفت را می‌شنوید، اولین واکنشی که نسبت به آن از خود بروز می‌دهید، چیست؟ امید و تأسف...

۱۰۳ سال از روزی که نخستین بار نفت در این مملکت کشف شد، می‌گذرد. ۱۰۳ سالی که همواره با بیم و امید گذشته است؛ ۱۰۳ سالی که یک سوال اساسی همواره پیش روی روشنفکران از یک طرف و مردم از طرف دیگر قرار داشته

است: «نفت در ایران عاملی برای توسعه‌یافتگی بوده است یا مانعی بر آن و احیاناً دشمن آن؟» آیا نفت مانعی در برابر دموکراسی بوده است؟ این سؤالات و بحث‌هایی دیگر در همین حوالی بهانه‌ای شد برای گفت‌وگو با حسن نراقی، نویسنده و پژوهشگر مسایل جامعه‌شناختی در ایران...

■ جناب آقای نراقی! تاکنون در برابر این پرسش که آیا نفت عاملی برای عقب ماندگی‌های ایران بوده است یا خیر، دیدگاه‌های مختلفی ابراز شده است؛ جنابعالی به عنوان پژوهشگر مسایل جامعه‌شناختی ایران، این موضوع را چگونه می‌بینید؟ آیا شما هم نفت را عامل عقب ماندگی‌های ایران می‌دانید یا برعکس، آن را عاملی برای توسعه یافتگی حداقلی مان می‌دانید؟

من متخصص مسایل نفت نیستم، اما مایلم از دیدگاهی متفاوت به این موضوع نگاه کنم. ببینید! من همواره گفته‌ام که مسایل اجتماعی را به تبعیت از دلایل گوناگون آن نمی‌توان در محدوده اعداد تک رقمی بیان و بر آن استناد کرد. از همین‌رو فکر می‌کنم که تکیه به یک عامل مشخص مثل نفت در ردیابی علل ناکامی ما کار درستی به نظر نمی‌رسد، ای‌بسا کشورهایی که نفت دارند و به مراتب از ما بدبخترند مثل نیجریه یا لیبی، و ای بسا کشورهایی که نفت ندارند و وضعیت شان از هر دو سوی سنجش رفاه و پیشرفت، با ما اساساً قابل مقایسه نیست مثل سوئیس و برخی کشورهای آمریکای لاتین.

پنجره

به بهانه روز مادر از کلیشه‌ها باید گذشت



فاطمه راکعی

■ احترام به مادر و نگه داشتن شأن، منزلت و شناخت مقام مادر یکی از مسایلی است که در همه ملل دنیا و مکاتب اخلاقی و دینی جایگاه خاصی دارد؛ همان‌گونه که در دین اسلام به عنوان آخرین دین الهی بیشترین تأکید بر مقام زن و مادر شده است.

به هر حال، روز مادر در ایران روزی است که آن را باید به همه مادران و زنان و دختران که در واقع بالقوه مادر هستند و خدا این موهبت‌اش را شامل حال آنها کرده است، تبریک گفت.

برای احترام و قدردانی از زحمات، فداکاری‌ها، بزرگی‌های روح و انسانی به عنوان زن که احترام خاصی دارد، نباید به یک روز محدود و فقط در این روز به جایگاه مادران و زنان پرداخته شود. از کلیشه‌ها باید گذشت.

خیلی خوب به نظر می‌رسد که برای مسایل مهم و با ارزش یک روز ملی و یا جهانی را پاس بداریم اما باید گفت جایگاه مادران بالاتر از آن است که کلیشه‌ای و محدود در یک روز با آن برخورد شود.

قطعاً برای پاسداشت این روز، علل و دلایلی داریم که بهتر است آنچه درباره مقام مادر در دین اسلام آمده و فطرتا آن را درک می‌کنیم از طرف فیلسوفان و نظریه‌پردازان اجتماعی شکافته شود که چرا دین مبین اسلام و پیامبر اسلام برای مقام مادر آنقدر احترام قایل هستند تا شاید نه فقط در این روز ویژه که در تمام ایام نه تنها قدرشناس زحمات مادران باشیم که شان و منزلت واقعی آنها را دریابیم.

*شاعر

هنرمندان درباره فیلم «مرهم» چه گفته اند؟

عزت الله انتظامی



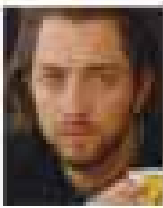
فیلم «مرهم» برای من بسیار جذاب بود و تا مدت‌ها آن خالسم سین چادری فیلم با من زندگی می‌کرد.

اسفند فرخادی



«مرهم» بی‌پیرایه و شریف، راوی زخمی از زخم‌های این روز و روزگار است. کمترین وظیفه هر سینما دوست دعوت از دیگران برای تماشای این اثر گرم و زنده است.

بهرام رادان



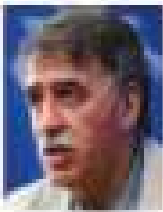
«مرهم» فیلمی است ساده و محترم، دست مریزاد به آقای داودنژاد و گروه محترمش که فر این والفاسای بوج، لحظات خوبی را برای مخاطب جدی فیلم رقم زدند.

سیروس الوند



«مرهم» آخرین ساخته علیرضا، سراپا و افراشته، بی هیچ دوز و کثک در واقع نمونه ای به مراتب کاملتر از پیش است. همان سینمایی که جامعه را آنگونه که هست با چادری بازیهای به شدت قابل باور و شخصیت‌هایی به شدت قابل شناسایی، ترسیم می‌کند. می‌هرساند، کام را تلخ می‌کند و از این تلخی به شیرینی و گوارایی میرسد، علیرضا برای این همه زخم گفته که دل و جان شهر را تقدید می‌کند «مرهم» آورده است.

همایون اسعدیان



فیلم «مرهم» تصویری هریان از شهر را به نمایش می‌گذرد و سرولدت گروهی از جامعه را نمایان می‌کند. به عنوان یک فیلمساز به نگاه باز و رها شده ی علیرضا «داودنژاد» در فیلم «مرهم» غبطه خوردم. «داودنژاد» در آخرین فیلم خود تلاش کرده تا تصویری از یکی از مسایلی را که قشری از جامعه از آن رنج می‌برند، ارائه کند. هنگامی که «مرهم» را دیدم از فضای سرد و بی روح حاکم بر کلانشهر تهران اساساً ترس و ناامنی کردم.

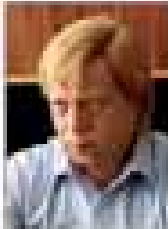
بهرام بیضایی



علیرضا داودنژاد عزیز خوشحالم که «مرهم» را به لطف تو دیدم ام و به آن چنان نزدیک‌وفه گویی از راه دور در میان تماشاگران آن در تهران نشسته ام، حالا همه می‌دانند که تو همیشه می‌توانستی ای «مرهم» یا بهتر از آن را بسازی اگر سینمای مستقل ایرانی را اندکی امنیت مالی بود. در نبود شرایط یکسان برای سینمای پشتیبانی شده و سینمای مستقل ساختن مرهم خطر است و این خطری است که تو و هر فیلمساز مستقل دیگر به آن دست می‌زنی.

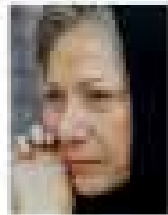
زخمهایی بسیاری هست که نیازمند «مرهم» است.

سید محمد بهشتی



فیلم «ایاز» یادگاری ارزشمند در تاریخ سینمای ایران است و امیدوارم «مرهم» علیرضا داودنژاد نیز به یادگارهای تاریخ سینما اضافه شود.

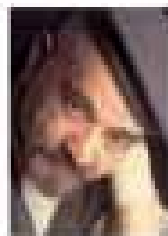
رخشان بلی اعتقاد



«مرهم» فیلم ساده‌ای است، آنقدر ساده که سخت به دل می‌نشیند. داودنژاد شریف مانه و از روزهایی سر به مهر این جامعه، از جوانان گفت و تلاشهای فردی مادران برای تجارت، جگرگوشه، هایشان در بی‌پناهی. داودنژاد نشان داده می‌شود فیلم ساخت، بی ادعا، بی ستاره - بی حمایت -.

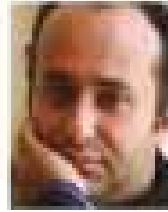
با «مرهم» همچنان از یاد نمی‌بریم که هنوز سینمای ایران وجود دارد.

مهدی فخیم زاده



فیلم «مرهم» را دیدم و به شدت از آن لذت بردم. داودنژاد در این فیلم شیطان اعتیاد و فرشته محبت را روی روی هم قرار داده و از آن مرهمی ساخته که اگر به دلت در آن بنگریم، می‌تواند زخم دردناکی از جامعه ما را درمان کند.

مازیار میری



«ایاز» ما «بچه‌های پده» برای «قهرمان کردن مسائب» این روزها «مرهم» ی هم بود که تنها هویدایش کردید، مرهمی از جنس عزیز، و عزیزی نگران، نگران نسلی که «بچه‌های پده» خواندشان برای اینکه «مرهم» طلب نکند و «مرهم» بود فقیقه ای شما تا ساخته‌ا و روزها می‌ماند کاشی «مرهم» دیگر آید برای تکرار لذتی که از سرایت بردید.